



ادراک زنان متأهل شهر مشهد از معانی اجتماعی اشتغال: کارکردها و پیامدها

احمدرضا اصغرپور ماسوله^۱، فریبا فیروزی^۲ و مهدی کرمانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

چکیده

تغییرات فرایندهای که در مطلوبیت‌های اجتماعی و فرهنگی رخ داده است، به تغییر نقش زنان در جامعه منجر شده و آنان را جهت کسب استقلال در ابعاد مختلف رهنمون ساخته است. از این رو آنان اشتغال را فرصتی برای کسب مواهبی می‌دانند که شاید در خانه دسترسی به آن چندان مقدور نیست. این پژوهش با روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است و با استفاده از بیستوپنج مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با زنان جوان متأهل شاغل و خانه‌دار شهر مشهد قصد دارد دریابد زنان اشتغال را چگونه ادراک می‌کنند. براساس نتایج حاصل از پژوهش، محققان دریافتند اشتغال بخشی از هویت زنان را در محیطی ورای خانواده رقم می‌زند و در ارتقا و بهبود توانایی‌های آنان در ابعاد گوناگون سهم ویژه‌ای دارد. این واقعیت در قالب مقوله «اشتغال: پدیده‌ای هویت‌بخش و توان‌افزا» به‌عنوان پدیده مرکزی صورت‌بندی شد. همچنین غالب زنان تمایل بسیاری برای اشتغال خارج از خانه داشته و دلایل گوناگونی را برای آن برمی‌شمارند، اما با موانعی نیز مواجه‌اند. همچنین اشتغال با آن که برخی فرصت‌ها را از زنان سلب کرده است، اما دستاوردهای مثبت آن، که موجب نگهداشت آنان در موقعیت شغلی شده بیشتر بوده است. با این حال اتخاذ دو راهبرد اشتغال و خانه‌داری بنا به عوامل و شرایط مختلفی بوده است.

کلیدواژه‌ها: اشتغال؛ خانه‌داری؛ زنان؛ توان‌افزایی.

۱- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، asgharpour@um.ac.ir

۲- کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، fariba.firouzi@mail.um.ac.ir

۳- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، m-kermani@um.ac.ir

در دهه‌های اخیر موقعیت اجتماعی زنان در جامعه ایران دستخوش تغییرات بسیاری شده است که این تغییرات متأثر از تحولات کلان همانند تغییر در نظام اقتصادی و سیاسی جامعه، زیرساخت‌های تعلیم و تربیت، اشاعه‌ی اجتماعی برون‌فرهنگی بوده است (مردانی و موحد، ۱۳۹۵؛ محمدی، ۱۳۹۳؛ کریمی‌موغاری، نظیفی‌نایینی و عباسپور، ۱۳۹۲). از این‌رو تغییر در موقعیت اجتماعی زنان به معنای تحول در بسیاری از جنبه‌های ساختار اجتماعی نیز می‌باشد، چرا که در ساختار اجتماعی، محتمل است که تغییر یک موقعیت، دیگر موقعیت‌های اجتماعی را دچار تغییر نماید. از این‌رو الگوی روابط خانوادگی و کنش میان همسران و انتظارات زنان دچار تحول شده و آنان تمایل دارند ورای نقش‌های خانوادگی ترکیبی متوازن را میان نقش‌های سنتی و مدرن از خود نشان دهند (مردانی و موحد، ۱۳۹۵؛ صادقی‌فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۵).

اما آمارهای موجود در این باره ناظر بر آن است که ارتقا سطح تحصیلات زنان در چهار دهه گذشته، در تناسب با نرخ اشتغال تغییر چندانی نکرده است. نرخ باسوادی زنان براساس آخرین سرشماری سال ۹۵، ۸۴ درصد و (برای مردان ۹۱ درصد) است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۱۹). در حالی که نرخ اشتغال زنان در سال ۹۵، ۱۰/۲ درصد (براساس آمارگیری نیروی کار در سال ۹۷ به ۱۳ درصد) افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). البته در برخی بخش‌ها سهم اشتغال زنان به مردان بسیار نزدیک است مانند بخش صنعت که سهم زنان ۲۴/۱ درصد (مردان ۳۳/۱ درصد) در بخش‌های کشاورزی و خدمات نیز سهم اشتغال زنان به ترتیب با ۲۳/۴ درصد (مردان ۱۸/۵) و ۵۲/۵ درصد (مردان ۴۸/۴ درصد) از مردان بیشتر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).

این نکته ناظر بر آن است که متغیرهای اجتماعی به سادگی رابطه‌ی علی یک‌سویه و دوسویه ندارند، بلکه دسته‌ای از خصایص اجتماعی به شکل درهم‌تنیده‌ای یکدیگر را تبیین می‌کنند. به همین ترتیب، نرخ تحصیلات به صورت منفرد تبیین کننده نرخ اشتغال در زنان نیست. بلکه مجموعه‌ای از عوامل از جمله فرهنگ مردسالاری حاکم بر جامعه که مطابق آن بسیاری مشاغل برای زنان نامناسب تلقی می‌شود، سیاست‌های بازار کار و ترجیحات و تقسیم کار جنسیتی در اشتغال‌یابی زنان تأثیرگذار است (ریچ‌وی^۱، ۱۹۹۷؛ کلی^۲، ۲۰۱۴؛ علاء‌دینی و رضوی^۳، ۲۰۰۵؛ حیدری و دهقانی، ۱۳۹۵).

1- Ridgeway

2- Kelly

3- Alaedini & Razavi

پیشینه اشتغال زنان در خارج از خانه را می‌توان همسو با انقلاب صنعتی در غرب دانست. انقلاب صنعتی یکی از عوامل کلیدی است که منجر به تحول نقش‌های جنسیتی و همچنین به رسمیت شناخته شدن اشتغال زنان است. این مهم نقطه عطفی در تحول نقش‌های جنسیتی است. رخداد انقلاب صنعتی باعث جدایی خانه از محل کار گردید. تا پیش از آن میان وظایف زنان و مردان در خانواده انقطاع چشمگیری وجود نداشته، بلکه تمام اعضای خانواده در امر تولید مشارکت داشته‌اند (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۱۷۴؛ اعزازی، ۱۳۹۰: ۱۵). در اوایل انقلاب صنعتی زنان و کودکان به‌عنوان نیروی کار ارزان کارخانه‌ها بودند که این مسئله با مخالفت مردان همراه شد، زیرا معتقد بودند زنان با پذیرش دستمزد نازل‌تر باعث کاهش دستمزدها شده و شغل و وجهه مردان را به مخاطره می‌اندازند. به همین ترتیب تبعیض شغلی زنان را به سوی مشاغل پست و کم‌درآمد سوق داد (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۱۷۵، ۱۷۶).

پیش از دوران معاصر تقسیم‌کار شفافی، وظایف زنان و مردان را از یکدیگر متمایز کرده بود و متناسب با باورداشت‌های فرهنگی متداول در جامعه سنتی وظیفه مردان تأمین معاش خانواده و حضور در قلمرو عمومی بوده است و زنان نیز امور منزل و فرزندپروری را عهده‌دار بوده‌اند و تمام این فعالیت‌ها در خدمت بقای خانواده بوده است (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۱۷۴). در ایران نیز، تحولات معاصر در شیوه تولید (از کشاورزی به صنعت و خدمات) و ارزش‌ها و ساختارهای خانواده تا حد بسیار زیادی ماحصل تعامل با جامعه غربی و اشاعه فرهنگ و ارزش‌های خاص آن جوامع می‌باشد (محمدی، ۱۳۹۳).

به نسبت تأخیر در تحولات صنعتی و اجتماعی در ایران نسبت به غرب، ورود زنان به بازار کار نیز در مقایسه با این جوامع با تأخیر صورت گرفت. جالب آنکه هنوز نیز سهم زنان در بازار کار ایران چندان نیست و نقش زنان بیشتر در فعالیت‌های کشاورزی و خانه‌داری نمود دارد (روستایی شلمانی، میلعلمی و غلامی، ۱۳۹۳؛ کریمی‌موغاری، نظیفی‌نایینی و عباسپور، ۱۳۹۲؛ علاء‌دینی و رضوی، ۲۰۰۵). احتمالاً اولین علتی که برای این موضوع ذکر می‌شود پایین بودن سطح تحصیلات و مهارت زنان است. اما همان‌طور که اشاره شد در زمان حال در برخی حوزه‌ها تحصیلات زنان بیشتر از مردان است و این علت چندان موجه نمی‌باشد. به نظر می‌رسد با افزایش سطح تحصیلات و توانمندی‌ها، تغییرات مثبتی در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به نفع اشتغال زنان صورت گرفته است. اگر هم چنین باشد، این مسأله بازتاب چندانی در آمار کلان نداشته است.

این موضوع از یک سو می‌تواند نشان دهد که زمینه اشتغال برای زنان، با وجود تحصیلات بالا چندان مطلوب نیست. همچنین می‌توان گمانه زد که احتمالاً تحصیلات منجر به کسب مهارت کافی برای جذب در بازار کار نشده است. از سوی دیگر، در عین این که تمام این استدلال‌ها

می‌توانند درست باشند، باید دید اشتغال نزد زنان، چه خانه‌دار و چه شاغل چه معنایی دارد و چه رهاوردهایی برای آنان به ارمغان می‌آورد. این به آن معناست که در زمینه اجتماعی مشخص جامعه ایرانی، زنان به احتمال زیاد با دلایلی متفاوت از یک زمینه فرهنگی و اجتماعی دیگر تصمیم به داشتن یا نداشتن شغل می‌گیرند. این پژوهش می‌تواند نشان دهد در میان زنان ایرانی، با توجه به افزایش چشم‌گیر سطح تحصیلات در دهه‌های اخیر نقش همسری چگونه تعریف شده است و اشتغال چه رابطه‌ای با این نقش دارد.

از این حیث و با ملاحظه‌ی میزان و نوع اشتغال زنان، پژوهش حاضر قصد دارد با رویکردی کیفی دیدگاه و ادراک زنان را از معانی اجتماعی اشتغال، کارکردها و پیامدهای آن بررسی نماید. این بررسی به شکل کیفی انجام می‌شود. همان‌طور که مطرح گردید پیچیدگی و درهم‌تنیدگی متغیرهای گوناگون و جزئیات موجود در احساسات و قضاوت‌های زنان و اولویت‌هایی که آنان در تصمیم‌گیری مدنظر قرار می‌دهند موجب می‌شود پژوهش کمی در بررسی این پدیده چندان کارا نباشد. بنابراین سؤالات اصلی محققان در این مطالعه بدین قرار است: - معانی و ادراک زنان از پدیده اشتغال چیست؟ - رهاوردها و پیامدهای این تجربه زیسته برای زنان متأهل چه بوده است؟

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

پیش از این پژوهش‌های بسیاری تلاش کرده‌اند زمینه‌ها و پیامدهای اشتغال زنان را از جنبه‌های گوناگون بررسی کنند. هر کدام از این پژوهش‌ها ناظر بر ابعاد مختلفی از این مسئله می‌باشند. در این زمینه مسئله اصلی تحقیقاتی که در حوزه قدرت در خانواده انجام شده است بررسی عوامل مؤثر در تغییرات ساختار قدرت خانواده با تأکید بر مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی است. نتایج این تحقیقات مؤید آن است که ساختار قدرت در خانواده‌هایی که زن شاغل است از دیگر خانواده‌ها دموکراتیک‌تر است. به گونه‌ای که ساختار قدرت لزوماً به نفع مردان نیست و دسترسی هر یک از زن و مرد به منابع ارزشمند می‌تواند ساختار قدرت را به نفع آنان تغییر دهد (توسلی و سعیدی، ۱۳۹۰؛ امینی، حسینیان و امینی، ۱۳۹۲؛ باقری، ملتفت و شریفیان، ۱۳۹۲). مک‌گین و او^۱ (۲۰۱۷) معتقدند قدرت چانه‌زنی زنان در خانواده با کسب درآمد افزایش می‌یابد و زنان با افزایش درآمد زمان کمتری را صرف کارهای خانگی می‌کنند و قادر به استفاده از کمک نیروی خدماتی هستند.

تحقیقات دیگری در این زمینه اشاره به تغییر نگرش افراد به نقش‌های سنتی کرده و مطرح می‌کنند، مقارن با تحول در زندگی شهری و ورود زنان به اجتماع تحولاتی در نقش‌های سنتی و ساختار قدرت در خانواده شکل گرفت که مطابق با آن زنان به نقش‌های سنتی از پیش موجود خود بسنده نکرده و مترصد رشد و ترقی هستند و عوامل زمینه‌ساز این تغییر شامل سن ازدواج، تحصیلات و اشتغال است (امینی، حسینیان و امینی، ۱۳۹۲؛ مردانی و موحد، ۱۳۹۵). یافته‌های موحد، عنایت و مردانی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد زنان خانه‌دار بیشتر پذیرای تقسیم کار سنتی و جنسیتی بوده‌اند و بر سر حقوق شخصی جدال کمتری با همسر دارند و پذیرای اقتدار مرد در برخی ابعاد هستند.

دسته‌ای دیگر از مطالعات، به نقش زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال اشاره و مطرح می‌کنند، زنان مضاف بر ایفای وظایف خانوادگی، در توسعه پایدار و پیشرفت هر کشور نیز سهیم هستند. هر کشور برای دستیابی به ابعاد گوناگون توسعه می‌بایست از نیروی بالقوه زنان نیز بهره‌مند شود (اسدزاده و دیگران، ۱۳۹۶؛ روستایی شلمانی، میلعلمی و غلامی، ۱۳۹۳؛ محمودیان و رشوند، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه، صنعتی شدن و فراصنعتی شدن موجب شده قدرت جسمانی دیگر عامل تعیین کننده برای انجام بسیاری مشاغل نباشد، قاعدتاً این مسئله باید نقش به‌سزایی در افزایش سهم زنان در بازار کار داشته باشند. از این‌رو، برخی تحقیقات نشان می‌دهند در سال‌های اخیر مشارکت زنان در بخش‌های صنعت و خدمات در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است (روستایی شلمانی، میلعلمی و غلامی، ۱۳۹۳؛ کریمی‌موغاری، نظیفی‌نایینی و عباسپور، ۱۳۹۲).

علاءالدینی و رضوی (۲۰۰۵) معتقدند در ساختارهای فرهنگی جامعه ایران، مردان نان‌آور خانواده محسوب می‌شوند و در یافتن شغل ارجحیت دارند. حتی برخی محققان معتقدند با اینکه امروزه نرخ تحصیلات زنان و تمایل آنان برای اشتغال افزایش یافته است و اشتغال به مطالبه‌ای اقتصادی برای آنان تبدیل شده است، اما تحقیقات نشان می‌دهند که نرخ اشتغال با تحصیلات رابطه منفی و معنی‌داری دارد. بدین صورت، علی‌رغم رشد روزافزون تحصیلات دانشگاهی در زنان، نرخ اشتغال متناسب با این میزان رشد نیافته و زمینه‌ساز بیکاری زنان تحصیل کرده شده است. احتمالاً فقدان سیاست‌گذاری مناسب، از علل روی آوردن زنان تحصیل کرده به مشاغل غیررسمی و با حداقل دستمزد است (عرب‌مازار، علیپور، زارع‌نیاکوکي، ۱۳۹۴؛ کریمی‌موغاری، جهان‌تیغ، ۱۳۹۳).

بخش دیگری از مطالعات به نابرابری‌های جنسیتی اشاره و ادعان دارند که زنان نابرابری‌های را در سطح خانوادگی و بازار کار تجربه می‌کنند. نابرابری در خانواده با تقسیم کار ناعادلانه و

نامتوازن رخ می‌دهد که فمینیست‌ها آن را نوعی سرویس‌دهی به مردان تلقی می‌کنند. در محیط شغلی نیز نابرابری به صورت تفکیک جنسیتی در مشاغل نمود دارد، که بر این اساس زنان کمتر از مردان در بازارکار حضور دارند و کارهای سطح پایین‌تر که مترتب بر تحصیلات و تخصص چندانی نیست را عهده‌دار هستند و در شرایط مشابه با مردان از دستمزد و مزایای نازل‌تر برخوردارند (ریجوی، ۲۰۰۹؛ روبینز^۱، ۲۰۰۳؛ کلی، ۲۰۱۴).

روبینز (۲۰۰۳) و آدریانا بالگیو^۲ (۲۰۱۳) یکی از علل نابرابری‌های جنسیتی را باور اجتماعی به عدم برابری در توانایی‌ها می‌دانند که باعث می‌شود دسترسی مردان به منابع ارزشمند با سهولت بیشتری همراه باشد. دولت می‌تواند از طریق مداخله در توزیع منابع باعث کاهش نابرابری‌های جنسیتی شود. از سوی دیگر نیز کلیشه‌های جنسیتی در بسط نابرابری‌ها و توزیع نامتوازن منابع ارزشمند مؤثر هستند (ریجوی، ۲۰۰۹).

مطالعات دیگر اشاره به شاخص کیفیت زندگی در میان زنان شاغل و غیرشاغل دارد که نشان می‌دهند کیفیت زندگی با توجه به سن، تحصیلات و شغل متغیر است و زنان شاغل در تمام ابعاد کیفیت زندگی از زنان غیرشاغل نمره بالاتری کسب کرده‌اند (رستگرنسب، مصطفوی و جهان‌نمائی، ۱۳۹۱؛ بیات و بیات، ۱۳۹۰). ترکمن و فتحی (۱۳۹۵) معتقدند رضایت از شغل به‌عنوان یک شاخصه منجر به افزایش کیفیت زندگی می‌گردد و در گسترش ارتباطات اجتماعی، خودشکوفایی و افزایش اعتمادبه‌نفس مؤثر است.

مشارکت زنان در بازار کار علاوه بر تأثیر در ساختار قدرت در نرخ باروری نیز تأثیرگذار است. اما در بسیاری از پژوهش‌ها از این عامل غفلت شده و به عوامل دیگری همچون نرخ شهرنشینی، سن ازدواج و درآمد سرانه پرداخته شده است (به‌عنوان مثال فطرس، نجمی و معمارزاده، ۱۳۹۶). از سوی دیگر برخی پژوهش‌ها تأثیر اشتغال را بر باروری را بررسی کرده‌اند. به‌عنوان مثال اسحاقی و دیگران (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان می‌دهند که تأثیر عامل اشتغال کمتر از افزایش تحصیلات و سن ازدواج است. اما یافته‌های این تحقیق ناظر بر آن است که زنان کاهش فرزندآوری را فرصتی برای کسب پرستیژ اجتماعی می‌دانند. تغییر نظام ارزشی و ترجیحات نیز موجب می‌گردد، زنان به دنبال کسب هویت اجتماعی در جایی ورای خانه باشند و مادری تنها نقش مطلوب آنان تلقی نگردد. همچنین زنان شاغل به دلیل عدم برخورداری از حمایت خانواده و احساس عدم امنیت شغلی از فرزندآوری اجتناب کنند (قاسمی، ۲۰۱۵).

1- Robeyns

2- Adriana Balgiu

هدف پژوهش کیفی و تفسیرگرایانه، ادراک و تفهیم کنش‌های عاملان اجتماعی در محیط‌ها و بسترهای اجتماعی است. از این‌رو محققان کیفی بدون استفاده از نظریه و فرضیه‌های از پیش موجود به بررسی پدیده موردنظر می‌پردازند و این تحقیقات غالباً خود به پیدایش نظریات جدید منجر می‌شود. البته استراوس و کربین (۱۳۹۱) معتقدند محقق باید به جریان‌ها و مفاهیم مرتبط با موضوع تحت بررسی خود حساس باشد. کرسول (۱۳۹۴) نیز در تأیید این استدلال، حساسیت و به کارگیری نظریه‌ها را در روشن شدن زوایای نظری موضوع مؤثر می‌داند. با همین استدلال در این بخش به‌طور خلاصه مجموعه مفاهیم و دیدگاه‌هایی که نویسندگان این مقاله معتقدند در فهم پدیده مورد بررسی می‌توانند یاری‌گر باشند ارائه می‌شوند.

۲-۲-۱- هنجارهای اجتماعی جنسیتی و نابرابری

مطابق با نظریات نابرابری جنسیتی، زنان نابرابری‌های بیشتری را نسبت به مردان تجربه می‌کنند و این نوعی خشونت ناشی از جنسیت است (یودانیس^۱، ۲۰۰۴). این نظریات ادعا دارند که زنان در موقعیت‌های متفاوت و نابرابر از مردان قرار گرفته و از نظر پیشرفت و ارتقا شغلی و خودشکوفایی ناتوان‌تر از مردان هستند. کلیشه‌های جنسیتی صفات منتسب به مردان را بارزتر دانسته و این امر باعث ایجاد شرایط نابرابر در توزیع منابع ارزشمند می‌گردد (ریتزر، ۱۳۹۰: ۲۹۷؛ ریچوی، ۲۰۰۹). فمینیست‌ها تقسیم کار جنسیتی درون خانواده را فعلی ناعادلانه و ناموزون دانسته‌اند که به ضرر زنان است. زیرا زنان شاغل به دلیل تعدد وظایف و مسئولیت‌ها با فشار نقش مضاعفی مواجه می‌شوند (روبینز، ۲۰۰۳؛ کلی، ۲۰۱۴) از سوی دیگر، فعالیتی که زنان در خانه به آن مشغول‌اند با آن که برای اقتصاد خانواده ثمربخش است، اما جزو فعالیت‌های تولیدی محسوب نمی‌شود و تا اندازه زیادی نادیده گرفته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۵۵).

نظریه بازارکار نیز که یکی از دیدگاه‌های مربوط به اشتغال زنان است، رویکرد نابرابری جنسیتی را تصدیق کرده و بیان می‌کنند، بازارکار به دو بخش تفکیک می‌گردد، نخستین بخش آن فعالیت در شرکت‌های بزرگ و صنایع و مؤسسات دولتی است که کارگران از دستمزد، فرصت ارتقا و امنیت شغلی بیشتری برخوردارند. بخش دوم دربرگیرنده مشاغلی است که از ویژگی بارز آن‌ها می‌توان به غیر تخصصی و ناپایدار بودن اشاره کرد که در آن دستمزد نازل‌تر و فرصت ترفیع شغلی نیز کم‌تر است. مشاغل مذکور بیشتر توسط زنان، نوجوانان و اقلیت‌های قومی اشغال

می‌گردد (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۲۰۱؛ گوگردچیان، طیبی و قضاوی، ۱۳۹۳). همچنین از نظر کارفرمایان زنان توانایی جسمی و فنی نازل‌تری برای انجام مشاغل یدی دارند و همچنین به دلیل باروری و فرزندپروری بیشتر جذب بازار کار ثانویه می‌شوند (علاء‌دینی و رضوی، ۲۰۰۵).

۲-۲-۲- اشتغال مأمنی برای چانه‌زنی و قدرت‌یابی

آورده اقتصادی نه‌تنها به‌صورت مستقیم تاثیر مثبت بر زندگی زنان می‌گذارد، بلکه اینان از طریق کسب درآمد و صرف آن در هزینه‌کردهای خانواده و هزینه‌های شخصی تا حدی از وابستگی مطلق به همسر کاسته و این قدرت را می‌یابند تا در بسیاری از تصمیمات خانواده نقش به‌سزایی ایفا نمایند.

یکی از مهم‌ترین نظریات پیرامون قدرت، نظریه منابع است. این نظریه حاکی از آن است که پایگاه قدرت در خانواده متأثر از برخورداری هریک از زوجین از منابع ارزشمندی چون درآمد، تحصیلات و پایگاه شغلی است. که براساس آن نابرابری در دسترسی به منابع باعث تمایز و تفاوت قدرت در میان کنشگران می‌گردد. به همین خاطر فمینیست‌ها معتقدند به دلیل اینکه زنان از موقعیت فروتری در جامعه به نسبت مردان برخوردارند، دسترسی‌شان به منابع ارزشمند با محدودیت بیشتری همراه است (امینی؛ حسینیان؛ امینی، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، وبلن (۱۳۸۳) معتقد است، زنان از طریق کسب قدرت به‌واسطه شغل از اختیار مضاعفی در خانواده بهره‌مند می‌گردند که از طریق آن امکان آن را می‌یابند تا دایره انتظارات خود را بسیط‌تر کنند.

۳- روش تحقیق

۳-۱- جامعه، نمونه و نمونه‌گیری

جامعه هدف پژوهش حاضر زنان جوان متأهل شاغل و خانه‌دار شهر مشهد بوده‌اند. با توجه به رویکرد کیفی تحقیق، حجم نمونه از پیش به صورت دقیق مشخص نشده است، بلکه در فرآیند گردآوری داده و با رسیدن به درجه اشباع تعیین شده است. براین اساس با ۲۵ زن متأهل که در بازه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار داشته‌اند و ۱۵ نفر از آنان شاغل و مابقی خانه‌دار بوده‌اند، مصاحبه عمیق از طریق نمونه‌گیری موارد در دسترس و گلوله‌برفی انجام شده است.

۳-۲- تکنیک گردآوری داده‌ها و فرایند اجرای پژوهش

تکنیک گردآوری داده‌ها در تحقیق پیش‌رو مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته بوده است. در فرایند نمونه‌یابی از زنان جوان متأهل که در دسترس محقق بوده‌اند و پدیده مورد بررسی را تجربه کرده

و تمایل به بیان تجربه زیسته خود را داشته‌اند درخواست مصاحبه شده و سپس مصاحبه‌هایی با هریک از نمونه‌ها حول ادراک آنان از معانی اشتغال و چالش‌ها و پیشامدهای آن صورت گرفته است. روش مصاحبه‌ای که در پژوهش حاضر اتخاذ شده است، مصاحبه‌ی مسئله‌محور بوده است. این روش با استفاده از راهنمای مصاحبه که شامل سؤال‌ها و محرک‌های شفاهی است با صورت‌بندی پرسش‌ها و نحوه‌ی کندوکاو در حین مصاحبه به روند اجرای تحقیقات کیفی کمک می‌کند. و مصاحبه‌گر می‌بایست موضوع اصلی موردنظر خود را روشن کند و بتواند فضای خوبی را در طول گفت‌وگو با مصاحبه‌شونده حفظ نماید (فلیک، ۱۳۹۴: ۱۷۹ و ۱۸۰). در گام بعد مصاحبه‌ها به متن تبدیل شد و با ورود به نرم‌افزار مکس کی‌یودی‌ای و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای کدگذاری بر روی داده‌های خام صورت پذیرفته و متن مصاحبه‌ها تحلیل و بررسی شد.

۳-۳- شیوه نمونه‌یابی

در خصوص نحوه گزینش نمونه در پژوهش حاضر محقق با زنان متأهلی گفتگو کرده است که جزو طبقه متوسط رو به پایین جامعه محسوب می‌شده‌اند و تمایل به بازگو کردن ادراک و معانی دریافتی‌شان را از پدیده اشتغال داشته‌اند. سؤالات تحقیق به چهار بخش عمده تقسیم شده و شامل ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان، تجربه زیسته‌شان از اشتغال‌یابی و عدم اشتغال، چالش‌های خانوادگی و محیطی پیرامون شغل، دستاوردهای شخصی و خانوادگی اشتغال و خانه‌داری بوده است.

۳-۴- رویکرد و روش تحلیل داده‌ها

در تحقیق حاضر از رویکرد کیفی استفاده شده است. این رویکرد معمولاً در بررسی‌های اکتشافی و برای کشف عرصه‌هایی که اطلاعات محدودی از آن داریم و یا می‌خواهیم ابعاد جدیدی از مسئله را دریابیم و همچنین زمانی که محقق قصد دارد تجربه زیسته افراد درگیر با یک مسئله را دریابد مورد استفاده قرار می‌گیرد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۳۳). در پژوهش کیفی محققان مترصد فهم زمینه، بسترها و شرایطی هستند که مشارکت‌کنندگان مطالعه در مسئله مورد نظر آن را تجربه کرده‌اند. از این حیث درصد قدرت‌بخشی به افراد برای طرح داستان‌ها و تجربیات زیسته‌شان پیرامون مسئله موردنظر هستند (کرسول، ۱۳۹۴: ۵۷).

روش مورد استفاده در این پژوهش نظریه زمینه‌ای^۱ است. نظریه زمینه‌ای یا داده‌بنیاد در سال ۱۹۶۷ توسط گلیزر و استراوس مطرح شد. آن‌ها معتقد بودند نظریات در پژوهش‌ها اغلب

نامناسب بوده و با مشارکت کنندگان تحت مطالعه همخوانی ندارد (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۶). نظریه زمینه‌ای رویکردی سیستماتیک به منظور ساختن تئوری است (بریان و چارماز، ۲۰۰۷: ۱). در این روش محقق کار خود را با استفاده از نظریات از پیش موجود در آن حوزه آغاز نمی‌کند، بلکه با استفاده از داده‌های مستخرج که به صورت منظم گرد آمده‌اند، خود اقدام به تدوین نظریه می‌نماید (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۳۴).

۳-۵- ارزیابی نظریه زمینه‌ای

اعتباریابی در پژوهش کیفی فعالیتی است برای تصدیق یافته‌هایی که توسط پژوهشگر و مشارکت کنندگان توصیف شده‌اند. در نظریه زمینه‌ای نیز بر اعتباریابی تأکید شده است (کرسول، ۱۳۹۴: ۲۵۳).

جهت ارزیابی موفقیت محققان، به ملاک‌های استراوس و کوربین در بررسی یک تحقیق نظریه زمینه‌ای به شرح ذیل ارجاع داده شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۲۸۵):

۱. فرایند نمونه‌گیری مورد بحث قرار گرفته است.
۲. از خلال مفاهیم اولیه، مفاهیم محوری شناسایی شده و تلاش گردید تا ارتباط روشنی با یکدیگر داشته باشند.
۳. رویدادها، پیشامدها و کنش‌هایی که به مقولات ظهور یافته اشاره داشته‌اند، تا حد امکان در قالب شواهدی برای هر مقوله ذکر شده است.
۴. تلاش شده است نظریه منتج از مقولات حاصله، پراکندگی و شباهت‌های تجارب مشارکت‌کنندگان را نمایانگر باشد.
۵. در بخش یافته‌ها مدل ارائه شده، نمایانگر روابط میان مقولات می‌باشد.
۶. ارتباط مؤثر میان تحصیلات و شغل به‌عنوان یکی از فرضیات تحقیق، در یافته‌ها نمود چندانی نداشت. از این‌رو محققان درصدد حذف آن برآمدند.
۷. مقوله مرکزی از تأمل و تدقیق در مقولات محوری و مباحثه میان محققان، به صورت تدریجی حاصل شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

در این مطالعه همان‌طور که در بخش روش ذکر گردید، در مجموع با بیست‌وپنج زن متأهل مصاحبه صورت گرفته است. ۱۵ نفر از آنان شاغل و مابقی خانه‌دار بوده‌اند. در جدول شماره ۱ ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان ارائه شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	وضعیت اشتغال	ردیف	نام	سن	تحصیلات	وضعیت اشتغال
۱	نوشین	۳۳	لیسانس	شاغل	۱۴	ناهد	۳۴	لیسانس	شاغل
۲	غزل	۲۵	لیسانس	شاغل	۱۵	شیرین	۳۱	لیسانس	شاغل
۳	نازنین	۲۶	دیپلم	شاغل	۱۶	نگار	۲۶	دیپلم	خانه‌دار
۴	سیمین	۲۶	لیسانس	شاغل	۱۷	الهام	۲۶	دیپلم	خانه‌دار
۵	مژگان	۲۸	دیپلم	شاغل	۱۸	پروانه	۳۲	دیپلم	خانه‌دار
۶	نسترن	۲۵	دیپلم	شاغل	۱۹	عطیه	۲۸	دیپلم	خانه‌دار
۷	رؤیا	۲۶	لیسانس	شاغل	۲۰	لیلا	۳۳	لیسانس	خانه‌دار
۸	شبنم	۳۰	لیسانس	شاغل	۲۱	سارا	۳۴	فوق‌دیپلم	خانه‌دار
۹	مرجان	۳۸	لیسانس	شاغل	۲۲	نیلوفر	۳۴	دیپلم	خانه‌دار
۱۰	سپیده	۲۹	لیسانس	شاغل	۲۳	فرشته	۳۰	دیپلم	خانه‌دار
۱۱	شیوا	۲۵	لیسانس	شاغل	۲۴	ریحانه	۲۸	دیپلم	خانه‌دار
۱۲	میترا	۳۳	لیسانس	شاغل	۲۵	سحر	۳۴	لیسانس	خانه‌دار
۱۳	هانیه	۳۹	لیسانس	شاغل					

همان‌طور که در بخش روش ذکر گردید، داده‌ها پس از گردآوری و پیاده‌سازی به‌وسیله نرم‌افزار کدگذاری شدند و در نهایت حدود ۷۰۰ مفهوم اولیه و ۱۸ مقوله محوری و یک مقوله گزینشی مستخرج شد که به‌طور اجمالی در جدول شماره ۲، ارائه شده است. همچنین در ذیل برای هر مقوله شاهد مثالی از هر دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار به جهت مقایسه نظرات آنان آورده شده است.

جدول ۲: خلاصه نتایج کدگذاری

مقوله هسته		مقولات عمده (محوری)	گزیده‌ای از مقولات فرعی (خرده مقولات)
اشتغال: پدیده‌ای هویت‌بخش و توان‌افزا	نیاز اقتصادی و مالی	کاستی در تأمین هزینه‌ها	تلاش برای ارتقا مادی
		تمایل به استقلال مالی	عدم دریافت حمایت مالی
	موضع همسر در مقابل اشتغال‌یابی زن	حمایت و همراهی	موضعی خنثی
		مخالفت و امتناع	
	دانش و مهارت	تحصیلات و استعداد بالقوه	
		سابقه شغلی و عادت به کار کردن	
	فراغت مؤثر از کار خانه	روزمرگی ناشی از خانه‌داری	پر شدن وقت
		برخورداری از زمان آزاد کافی برای اشتغال	
	تعدد زنان شاغل و خانه‌دار در میان اطرافیان	شبکه خویشاوندی	
		شبکه دوستی	
	دریافت‌های حمایتی و تشویقی	حمایت از جانب خانواده و همسر	
	خوداظهاری و نمود توانمندی	فرصت ایفای نقش شغلی	
	بحران‌های اقتصادی اختلال‌آفرین	تورم	بیکاری مرد
		نگرش جامعه سنتی و مدرن	
	باورداشت‌های فرهنگی به اشتغال زن		
	قوانین کسب و کار	حقوق و مزایا	مرخصی زایمان
	ایفای مناسب/ نامناسب نقش‌های خانوادگی	رسیدگی مطلوب‌تر به امور منزل	عدم فرصت کافی برای ارتباط با فرزند
		رسیدگی بهتر به فرزندان	
	گسترش/ کاهش مناسبات اجتماعی	بسط تعاملات اجتماعی	
	رشد و ارتقای فردی	افزایش آگاهی و اطلاعات	
پرستیژ و جایگاه اجتماعی			
افزایش/ کاهش در قدرت تصمیم‌سازی	قدرت چانه‌زنی و مدیریتی بیشتر	همفکری و مشورت	
	عدم داشتن قدرت مؤثر		
نامنی شغلی و نامنی در محیط شغلی	پیشنهادات نامتعارف جنسی		
عدم وابستگی مضاعف فرزند	خودکفایی و مسئولیت‌پذیری		

۴-۱- اشتغال: پدیده‌های هویت‌بخش و توان‌افزا (مقوله مرکزی)

هویت شخصی به خویشتن و مناسبات هر فرد اطلاق می‌گردد و صورتی متفاوت از هویت اجتماعی است. در شکل‌گیری و تطور هویت شخصی محیط‌های اجتماعی و فرهنگی نیز دخیل‌اند. از این‌رو در گذار از جامعه سنتی به مدرن هویت شخصی افراد، که در گذشته بیشتر تابع سنت‌ها و باورداشتهای فرهنگی و خانوادگی بوده تغییر یافته و عاملیت و نقش فرد در آن نمود فزاینده‌ای دارد و به نوعی هویت بازتعریف می‌شود. از این‌رو امروزه اشتغال بخشی از هویت شخصی زنان را رقم می‌زند، به‌گونه‌ای که اینان به دنبال کسب هویتی تازه و دریافت تأیید اجتماعی در محیطی ورای خانواده هستند و بدین‌سبب شغل را برای خود نوعی مطالبه و حقی آشکار می‌دانند. همچنین، یکی دیگر از وجوه مقوله مرکزی افزایش توانمندی در ابعاد گوناگون است. برخی مشارکت‌کنندگان اذغان داشتند شغل در ارتقا توانمندی‌های شغلی و شخصی و یادگیری مهارت‌های جدید نقش به‌سزایی دارد.

شیرین (شاغل) گفت: «کار کردن یک ذره آدم رو تو جنبه‌های مختلف بالا میره، توانمندتر می‌کنه. حالا می‌خواد مالی باشه، اجتماعی باشه، فکری باشه. اینکه برم تو یک محیط کاری که صحبت‌ها، دیالوگ‌ها از یک جنس دیگه است. باید یاد بگیري چطور مذاکره کنی، چطور از حق دفاع کنی. این‌ها رو با سرکار رفتن یاد می‌گیری. این توانمندی رو از این جنس نمی‌تونه به دست بياره یک زن خانه‌دار.»

نگار (خانه‌دار) می‌گوید: «وقتی آدم خونه‌دار هست دیگه هیچ هدف مشخصی نداری. ولی وقتی سرکار میری مثلاً دوست داری رتبت بالاتر بشه. ولی وقتی خونه‌داری می‌خوای نهایتاً یک بچه داری دوتاش کنی.»

۴-۲- راهبردها

۴-۲-۱- اشتغال‌یابی مطابق/علی‌رغم میل باطنی

اشتغال در زنان می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله علاقه شخصی، کسب دستاوردهای فردی، ارتقا مادی و ... اتخاذ شود. همچنین راهبرد اشتغال در دو گونه پاره‌وقت و تمام‌وقت صورت می‌گیرد. با این حال در برخی موارد در تصمیم به داشتن یا نداشتن شغل، عاملیت و نقش فرد بسیار مهم است و افراد یکی از صورت‌های اشتغال را برمی‌گزینند. اما در برخی موارد زنان مورد مطالعه با آن‌که غالباً تمایل و علاقه خود را به اشتغال ابراز داشته‌اند، اما این تصمیم را بیشتر متأثر از شرایط اقتصادی نامطلوب خانواده دانسته و اذغان داشته‌اند در صورت بهبود اوضاع اقتصادی تمایل به خانه‌داری و رسیدگی مطلوب‌تر به خانواده را دارند.

نازنین (شاغل) می‌گوید: «شوهرم منو انتخاب کرد چون کار می‌کردم. شغلش هم طوریه که بیشتر وقت‌ها نیست. به خاطر همین اگه نرم سرکار تو خونه تنهام همیشه. از اول گفت چون شغلم آزاده نیاز به یک کمک مالی دارم. خودم هم دوست دارم که فعال باشم و دوست ندارم که همش تو خونه بشینم».

سارا (خانه‌دار) می‌گوید: «وقتی مجرد بودم به خاطر لباس و چیزهایی که دوست داشتم برای خودم بخرم کار می‌کردم چون خانواده نمی‌تونست همه نیازهای ما رو رفع کنه. دو سال پیش هم توی اسناد رسمی کار می‌کردم، ولی به خاطر بچه‌هام که اذیت میشدن نرفتم».

۴-۲-۲- خانهداری، مطلوبی بی‌عاید

یکی از راهبردهای اتخاذی زنان مورد مطالعه خانهداری بوده است. غالب زنان چه شاغل و چه خانه‌دار در این امر اتفاق نظر داشته‌اند که انجام فعالیت‌های خانگی نه‌تنها عاید مادری برایشان در پی ندارد، بلکه امکان پیشرفت نیز در آن به چشم نمی‌خورد. اما جنبه‌های مثبت آن از جمله رسیدگی بهتر به وظایف خانگی و فرزندپروری، آرامش روانی و... را نیز متذکر شده‌اند. برخی نیز این راهبرد را متناسب با روحیه و احوالات خود دانسته و خود را با جنبه‌های مختلف آن وفق داده‌اند.

شیرین (شاغل) گفت: «توی خونه یک خط ثابت و تفاوت عجیب و غریبی در کار هم به وجود نیامد. احساس می‌کنم برای اون کاری که اون خانه‌دار انجام میده قدردانی هم نمیشه».

سارا (خانه‌دار) گفت: «هرچی که فقط بچسبی به خونه‌داری چیزی که عایدت نمیشه پسروی می‌کنی ولی پیشرفت نمی‌کنی فقط یکم آرامش داری خودت، شوهر و بچه‌ها. ولی شغل خوبی نیست».

۴-۳- شرایط علی

۴-۳-۱- نیاز اقتصادی و مالی

از دیرباز مطابق با تقسیم‌کار سنتی و جنسیتی تأمین معاش خانواده به مردان تفویض شده است و زنان عهده‌دار خانهداری و فرزندپروری بوده‌اند و در تأمین هزینه‌های خانواده وظیفه‌ای متوجه آنان نبوده است. اما با تغییر هنجارهای جنسیتی و ورود زنان به بازار کار، از جمله عواملی که آن‌ها را به این امر سوق داده است را می‌توان کاستی در تأمین هزینه‌ها دانست. بدین صورت که با پیشامدهای اقتصادی چالش‌زا زنان نیز خود را مکلف به مساعدت همسر در جهت گذران مادی

زندگی می‌دانند. از این رو آورده اقتصادی مضاعف و مستقل از همسر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد مادی زندگی داشته باشد و همچنین در موقعیتی که زنان فاقد حمایت مادی مناسب از سوی همسر هستند نیز بسیار راهگشا است.

نوشین (شاغل) می‌گوید: «من همش تو بحرانم در حدی که این اواخر دیگه نمی‌خواستم کار کنم گفت باید کمکم کنی، من وابسته کار تو شدم. بعد از به دنیا اومدن بچه دومون گفتم نمی‌خوام کار کنم گفت اگه کار نکنی زندگیمون نمی‌چرخه و از هم می‌پاشه. من به درآمد کار شدیداً نیاز دارم، اگه نباشه بچه‌هام می‌مونن.»

فرشته (خانه‌دار) می‌گوید: «از اول زندگی تا الان همه دغدغم این بوده که از خودم پول داشته باشم همش دنبال یک راهی بودم پول دربیارم. مثلاً تو مسابقات شرکت می‌کنم شاید پولی برنده بشم. استقلال مالی همیشه برام مهم بوده.»

۴-۳-۲- موضع همسر در برابر اشتغال‌یابی زن

اشتغال‌یابی زنان به‌ویژه زنان متأهل می‌توان گفت تصمیمی نیست که به شکل منفرد اتخاذ شود، بلکه موضع همسر در انتخاب نوع شغل و حفظ فرد در آن جایگاه شغلی بسیار پراهمیت جلوه می‌کند. مردان به‌طور کلی موضع خود را در دو قطب مخالفت و موافقت نشان می‌دهند. برخی مخالفت خود را ناشی از عدم نیاز مالی خانواده به درآمد زن و یا شرایط نامناسب محیط‌های کاری برای زنان و یا باورداشت‌های سنتی خانوادگی که نافی حضور خارج از خانه زنان هستند، می‌دانند. موضع موافق نیز می‌تواند به دلایلی همچون عقیده به حضور زنان در بازارکار برای پیشرفت مادی و فکری و یا به جهت نیاز مبرم به درآمد همسر باشد که گاهی باعث می‌شود در این موافقت نوعی جبر نیز دخیل گردد.

شیوا (شاغل) گفت: «همسرم دوست داره کار کنم بیکار نباشم یک درآمدی برای خودم باشه اونم موافقه مشکلی نداره تشویق میکنه. میگه زن اگر کار کنه هم استقلال مالی داره هم از نظر فرهنگی آدم میره بالاتر هم از نظر اجتماعی برخوردش بهتر میشه، هم از نظر درآمدی. نظرش مثبت هست راجع به اشتغال.»

فرشته (خانه‌دار) گفت: «بعد ازدواج دیگه شوهرم نداشت کلاً دوست نداشت که زنش کار کنه، دلشون نمی‌خواست که با مرد غریبه در ارتباط باشم. اصلاً کلاً با کار کردن خانم‌ها مخالفن هم خودش و هم خانوادش. تو خانواده اون‌ها هیچ‌وقت هیچ خانمی کار نکرده. این تفکر رو دارن که زن اگر بره تو جامعه دیگه سرخود میشه هر کار دلش می‌خواد می‌کنه.»

۴-۳-۳- دانش‌ها و مهارت‌ها و سابقه شغلی

تحصیلات به‌ویژه تحصیلات آکادمیک و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای یکی از دلایل قوی زنان و دختران جوان برای تمایل به اشتغال است. با توجه به آنکه نرخ تحصیلات زنان افزایش چشمگیری یافته است، از این‌رو انتظار برای استفاده مفید از تحصیلات و مهارت‌ها نیز در زنان شکل گرفته است و اشتغال را مسیری برای استفاده و بهبود دانش و اطلاعات خود می‌دانند. همچنین سابقه شغلی پیش از ازدواج نیز به دلیل آورده‌های مثبتی که به ارمغان می‌آورد، در تصمیم برای بازگشت به محیط کاری بی‌تأثیر نمی‌باشد.

مرجان (شاغل) می‌گوید: «دوست داشتم از این‌که رفتم درس خوندم یک استفاده‌ای بکنم. احساس می‌کردم بوج هست که بخوای درس بخونی و هیچ کاری نکنی ازش هیچ استفاده‌ای نکنی. بالاخره‌ای یک دوره‌ای زحمت کشیدی درس خوندی.»
فاطمه (خانه‌دار) می‌گوید: «من دوست دارم کاری بکنم که خودم احساس شایستگی بکنم. دوست دارم درسم تموم بشه یک کار پاره وقت داشته باشم.»

۴-۳-۴- فراغت مؤثر از کار خانه

خانه‌داری و وظایف مترتب بر آن همواره پس از ازدواج بر عهده زنان بوده است و اینان ملزم به اداره امور داخلی خانواده بوده‌اند بی‌آنکه مترصد دریافت پاداش مادی باشند. از سوی دیگر غالب زنان خانه‌داری را فعالیتی کسالت‌آور توصیف می‌کنند که نه‌تنها عاید مادی و منزلتی برایشان در پی ندارد، بلکه امکان پیشرفت نیز در آن به چشم نمی‌خورد. به همین ترتیب برخی زنان فارغ از سایر عوامل کسالت ناشی از خانه‌داری را عاملی برای تمایل به اشتغال عنوان کرده‌اند که از این طریق امکان حضور در محیط‌های اجتماعی و کسب درآمد برایشان فراهم می‌گردد.

نسترن (شاغل) می‌گوید: «دخترم که به دنیا اومد دیگه دانشگاه نرفتم، وقتی ۲ سالش شد دیگه از خونه خسته شده بودم، تصمیم گرفتم که برم سرکار. چون از کار خونه، تمیز کردن خونه، غذا درست کردن و کارهای خونه‌داری خوشم نمیاد و کار و تحصیل رو ترجیح میدم به کار خونه.»

سارا (خانه‌دار) می‌گوید: «الان کار مثبتی نمی‌کنم یک غذایی درست می‌کنم، کار خونه‌ای می‌کنم که همه خانم‌ها انجام میدن. دوست دارم خودم بیرون کار کنم. هم به کار خونه برسم هم بیرون یک منبع درآمد داشته باشم.»

۴-۴-۱- بحران‌های اقتصادی اختلال‌آفرین

بحران‌های اقتصادی که در بازه‌های زمانی گوناگون رخ می‌دهد، خانواده را در پیشبرد امور اقتصادی با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌سازد. از این جهت در اقشار متوسط و کم‌درآمد زمانی که فقط مرد وظیفه‌ی تأمین معاش را عهده‌دار است بحران‌های مالی و اقتصادی در خانواده تشدید می‌گردد. در این موقعیت برخی زنان برای کمک مالی به خانواده و گذران امور، خود را مکلف به اشتغال خارج از منزل و درآمدزایی می‌دانند، به نوعی فشار اقتصادی مطابق یا علی‌رغم میل باطنی آنان را وادار به تلاش برای یافتن شغل می‌کند. در این موقعیت زنان با کسب آورده اقتصادی نقش حمایتی پررنگی را در جهت بهبود معاش خانواده ایفا می‌کنند.

هانیه (شاغل) گفت: «قبلاً شوهرم کار می‌کرد گرونی نبود کفاف زندگی رو می‌داد، نیاز نبود من کار کنم شوهرم کار می‌کرد زندگی می‌چرخید. بچه دوم که ۳ سالش شد دیگه اوضاع یک‌جوری شد باز مجبور شدم کار کنم، طوری که ما نون نمی‌تونستیم بخریم، انقدر شرایط سخت شده بود.»

مژگان (شاغل) گفت: «الان که اقتصاد انقدر خراب شده واقعا مرد نمی‌کشه که بخواد تنها کار کنه، اگر بخوای راحت زندگی کنی، بچت رو تأمین کنی باید زن هم کار کنه.»
فرشته (خانه‌دار) می‌گوید: «وقتی کار کنی برای آینده بچه‌ها خوبه که یک شغلی داشته باشی. پدر و مادر ما نتونستن به ما کمک کنن که الان داریم سختی می‌کشیم. به خاطر همین می‌گم یک منبع درآمد و شغل داشته باشم.»

۴-۴-۲- باورداشت‌های فرهنگی به اشتغال زنان

تحولاتی که به سبب ورود نوسازی و اشاعه فرهنگ و ارزش‌های غربی در ایران روی داده است، تا حد زیادی باعث تغییر و بهبود هنجارهای جنسیتی شده است. هنجارهای جنسیتی حاکم همواره زنان را به ایفای وظایف خانوادگی و به‌ویژه نقش مادری تشویق می‌کرده است و انتظار از زنان این بوده است که ایفاگر مطلوب نقش‌های همسری و مادری باشند و حتی اشتغال زنان را عاملی برای اشاعه بیکاری در مردان تلقی کرده‌اند. اما امروزه می‌توان گفت با وجود محدودیت‌هایی که در اشتغال‌یابی زنان مشهود است و همچنین نگرش‌های منفی که باز هم متوجه حضور زنان در بازار کار است، اما تا حد زیادی باورهای فرهنگی در این باره تعدیل یافته و از زنان انتظار می‌رود علاوه بر فعالیت‌های درون خانوادگی قادر به کسب درآمد مستقل از همسر نیز باشند تا علاوه بر تأمین نیازهای مالی فردی، در سایر ابعاد نیز خودمختاری و استقلال یابند.

ناهید (شاغل) گفت: «زمانی که انتظار از مادرای ما این بود که تو از بچه‌ها مراقبت کن، غذا بپز دیگه تموم شد. اون موقع از یک زن انتظار نمی‌رفت که کار کنه. تازه می‌گفتن چرا انقدر خودخواهه که به‌خاطر این که پول دربیاره داره بچه‌ها شو فدا می‌کنه. ولی نگاه امروز این که تو حتما باید بتونی رشد کنی تو مسیر زندگی شخصی، حالا حتماً به معنی پول درآوردن نیست. پایه فکری جامعه داره به این سمت میره که کار کنی مستقلی، کار نمی‌کنی، مستقل نیستی».

عطیه (خانه‌دار) می‌گوید: «شوهرم دوست نداره زن کار کنه هم بد میدونه هم تعصب داره. مخصوصاً کاری که با مردها ارتباط داشته باشی. میگه زن باید به خونه و بچه برسه».

۴-۳- قوانین کسب‌وکار برای زنان

در محیط‌ها و فضاها شغلی مختلف، قوانین کسب‌وکار در مورد زنان و مردان با تحصیلات و شرایط مشابه ممکن است به شیوه‌های نابرابر و ناعادلانه‌ای از یکدیگر اجرا شود، که این امر در جنبه‌های مختلفی از کار و فعالیت زنان مانند انگیزه شغلی و همچنین حفظ و ثبات موقعیت شغلی آنان اثرگذار است. در بسیاری از مشاغل که امکان حضور زنان فراهم است، زنان دستمزد به مراتب کمتری از مردان را دریافت کرده و از مزایای مادی کمتری بهره‌مند می‌گردند. همچنین به این دلیل که زنان بیشتر از مردان به دلایلی از جمله ازدواج، فرزندآوری محیط کار را ترک می‌کنند، قوانین حمایتی از آنان در این مورد به ویژه در مشاغل خصوصی وجود ندارد و غالب زنان برای بازگشت مجدد به محیط کار با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند و به نوعی ساختار حاکم بر نظام شغلی خود عاملی قوی در بازتولید نابرابری است. و از سوی دیگر نیز می‌توان گفت زنان در عرصه‌ی شغلی از فرصت ارتقا و رشد کمتری در مقایسه با مردان برخوردارند.

نازنین (شاغل) گفت: «برای من هیچ‌وقت قوانین کسب‌وکار مفید نبود و همیشه اینو دیدم که در حقم ظلم شده و یا چون زن هستم حقوقم زیر پا رفته، شاید توی کار من اینجوری باشه».

فرشته (خانه‌دار) می‌گوید: «شوهرم می‌گفت نمی‌خواد سرکار بری. می‌گفت هر جا بری به زن‌ها پول نمیدن. به زن‌ها اونقدر که باید اهمیت نمیدن».

۴-۵-۱- تعدد زنان شاغل و خانه‌دار در شبکه خویشاوندی و دوستی

یکی از عواملی که می‌تواند در تشویق و ترغیب زنان به اشتغال یا عدم داشتن شغل تا حدودی مؤثر واقع شود، بازخوردهای دریافتی از سوی اطرافیان است. بسیاری از زنان خانه‌دار مطرح می‌کنند یکی از دلایلی که آنان را به ادامه انجام فعالیت‌های خانگی ترغیب می‌کند تعدد زنان خانه‌دار در بین خویشاوندان و تأثیر آنهاست، کمالینکه ممکن است تمایل برای اشتغال نیز در آنان وجود داشته باشد. در میان زنان شاغل نیز زمانی که بازخوردهای دریافتی مبتنی بر پذیرش و تفوق زنان شاغل در مقابل غیرشاغل باشد خود عاملی انگیزه‌بخش تلقی می‌گردد. اما نقطه مقابل این امر نیز صادق است.

غزل (شاغل) گفت: «خانم‌های اطراف من بیشتر شاغل هستند که تأثیر داشته تو اشتغال من و به نوعی به ادامه کار کردن تشویق شدم.»
نگار (خانه‌دار) گفت: «وقتی می‌بینم زن‌های اطرافم چه خانواده خودم چه خانواده همسرم خانه‌دار هستند، به خانه‌دار بودنم امیدوارتر میشم.»

۴-۵-۲- دریافت‌های حمایتی و تشویقی از سوی خانواده

بسترهای حمایتی که زنان از سوی خانواده دریافت می‌کنند، یک عامل مؤثر در سوق‌یابی زنان به اشتغال و تثبیت موقعیت شغلی و یا ایجاد انگیزه و تشویق به انجام امورات خانه و خانه‌داری است. از این‌رو، بسیاری از زنان اذعان دارند دریافت‌های حمایتی از همسر و خانواده از یک‌سو آن‌ها را به فعالیت‌های خانه‌داری و امورات منزل تشویق می‌کند و از سوی دیگر نیز در فرایند یافتن شغل و همراهی برای انجام بهتر وظایف شغلی از طریق مساعدت در امور منزل و فرزندان یاری‌گر آنان بوده است. دریافت‌های مشفقانه از سوی خانواده برای تحصیل و پس از آن تلاش برای یافتن شغل در انگیزه‌بخشی به دختران نقش بسیار ویژه‌ای دارد.

رویا (شاغل) در این باره گفت: «من پدرم چون محیط دانشگاهی کار کردن خیلی مشوق من بودن که حتماً یک رشته‌ای رو برو که مرتبط با اون بری سرکار. پدرم دوست داره میگه خانم باید دستش تو جیب خودش باشه، اگه شوهرت یک جایی گیر کرد روی تو بتونه حساب کنه، نه این‌که تو بشینی توی خونه هیچ کاری ازت برنیاد. شوهرت به یک جایی خورد که نتونست، تو باشی که کمکش کنی.»
الهام (خانه‌دار) می‌گوید: «مادرم میگه همین که بالای سر بچه‌هاتون باشید خیلی بهتره. آدم کمتر بخوره و بیپوشه ولی روی سر بچه‌هاش باشه.»

۴-۵-۳- خوداظهاری و نمود توانمندی

برخورداری از مهارت‌های فنی و دانش تحصیلی به صورت بالقوه نمی‌تواند نشانگر توانمندی‌های شخص باشد. اما این مهارت‌ها اگر جنبه‌ی بالفعل یابند به فرد اجازه نمود توانمندی و چه بسا خلاقیت را می‌بخشند. از این‌رو فعالیت‌های شغلی خارج از خانه و یا خانگی که جنبه‌ی اشتغال‌گونه دارند می‌تواند بستری را برای زنان فراهم کرده که از این طریق توانمندی و مهارت‌های خود را به عرصه‌ی ظهور برسانند. بدین ترتیب این امر منجر به حس خوشنودی و رضایت می‌شود.

نوشین (شاغل) گفت: «به نظرم زنی که توی خونه نشسته داره خودش رو تلف میکنه. زن‌ها توانایی جسمی بالاتری نسبت به مردها دارن پس چرا بشینن توی خونه. آخرشم برای یک لقمه نون به دست مردشون نگاه کنن.»
نگار (خانه‌دار) می‌گوید: «تو فرهنگ جامعه ما فکر می‌کنن زن‌ها مثل مردها توانایی کار کردن ندارن در صورتی که اینطوری نیست و الان کارهای مناسبی برای زن‌ها هست.»

۴-۶- پیامدها

۴-۶-۱- ایفای مناسب / نامناسب نقش‌های خانوادگی

موقعیت‌های اشتغال و خانه‌داری به‌طور مجزا مسئولیت‌هایی را برای زنان در پی دارد که در جهت رفع هریک از مسئولیت‌ها می‌بایست برنامه‌ریزی منسجمی صورت گیرد. اما بنا به تقسیم‌کاری که به شکل سنتی صورت گرفته است در ابتدا انتظار می‌رود که زنان اهتمام کافی به مرتفع کردن مسئولیت‌های درون خانوادگی داشته باشند و سایر وظایف در پس آن قرار می‌گیرد. اما اشتغال خارج از منزل وظایفی دوجندان را به زنان تفویض می‌کند که مرتفع کردن مسئولیت‌های چندگانه در صورت عدم برخورداری از حمایت‌های خانوادگی زن را در درازمدت به گرانباری نقش و کسالت‌های جسمی و روحی دچار می‌نماید. همچنین به دلیل عدم برخورداری از زمان آزاد کافی زن شاغل ممکن است از وقت‌های مکمل کمتری برای ارتباط مؤثر با فرزند و همسر برخوردار باشد.

شیوا (شاغل) گفت: «همه کار باید انجام بدی خیلی بدو بدو داره خیلی آدم خسته میشه به خاطر این خستگی کار من به خونه زندگیم نمی‌رسم. این کار آرامش روانی رو ازم گرفته بیشتر به جای این که آرامش بده به خاطر خستگی زیاد اعصابم خرد میشه. وقتی آدم خسته بشه دیگه نمی‌تونه به کار خودش برسه من الان خیلی فشار روم هست به کارای خونه خیلی کم میرسم.»

سارا (خانه‌دار) گفت: «خونه‌داری کار مثبتی هست باز بچه‌ها راحت باشن شوهرت توی آسایش باشه بازم خوبه. وقتی هستم بچه‌ها ترس ندارن. خیالشون راحت خودمم وقتی سرکار می‌رفتم همش دغدغه بچه‌ها رو داشتم و نگران بودم. اینکه همش خودتو وقف کار کنی خوب نیست. یکجوری که کار کمک حالت باشه خوبه من اینجوری دوست دارم. از صبح برم تا شب نفهم تو خونم چه خبره زندگی به درد نخور میشه.»

۴-۶-۲- بسط مناسبات و تعاملات اجتماعی

بسط تعاملات اجتماعی حاصل از قرارگیری در محیط‌های شغلی یکی از نشانگان بارز و مشهود اشتغال خارج از منزل است. بدیهی است که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار از دایره روابط و تعاملات گسترده‌تری برخوردارند، تعاملاتی که از جنس برخوردهای روزمره و پیوندهای سست‌تر است و روابطی گسترده‌تر از روابط درون خانوادگی را نشان می‌دهد. بی‌شک این‌گونه کنش و مناسبات گسترده، ماحصلی مانند بهبود اطلاعات و روابط عمومی را برای فرد به ارمغان می‌آورد. در نقطه مقابل نیز زنان خانه‌دار در پیوندهای عمیق و درون خانوادگی به دلیل حضور مدام موفق‌تر عمل کرده‌اند، اما در روابط شهروندی و برون‌گروهی به دلیل محدود بودن مراودات کاستی‌هایی را گزارش کرده‌اند.

سپیده (شاغل) گفت: «روابط اجتماعی یک زن شاغل خیلی به مراتب بیشتره چون با افراد بیشتری در ارتباط هست انواع و اقسام آدم‌ها رو میبینه، انواع شخصیت‌ها و منش‌ها. خیلی تاثیر داره.»

سحر (خانه‌دار) گفت: «زن شاغل با آدم‌های بیشتری در ارتباطه. درسته الان رسانه‌ها، برنامه‌های آموزشی خیلی ذهن‌ها رو باز کرده ولی این‌که با یکی دیگه تعامل داشته باشی خیلی فرق می‌کنه. زن شاغل بیشتر در جریان امور روز جامعه قرار می‌گیره به واسطه برخوردی که با بقیه داره. چون از هرکسی یک چیزی میشنوه، یاد می‌گیره. زن خانه‌دار تعامل مطمئناً کمتری داره.»

۴-۶-۳- رشد و ارتقای فردی (کسب استقلال ذهنی و فکری)

اشتغال و به تبع حضور مداوم در محیط‌های اجتماعی و حرفه‌ای بی‌شک بر توانایی‌های فردی و شخصی افراد اثرگذار است و منجر به بهبود آن خواهد شد. زنان معتقدند که پس از اشتغال و بسط تعاملات و ارتباطات توانایی‌هایی همچون کسب استقلال ذهنی و فکری برایشان حاصل شده و یا بهبود یافته است که ماحصل کنش‌های اجتماعی در محیط‌های حرفه‌ای و شغلی است و فرد مهارت‌هایی را کسب می‌نماید که در خلال انجام فعالیت‌های خانه‌داری صرف حاصل نمی‌گردد.

مژگان (شاغل) گفت: «من مغزم خیلی بازه خیلی باز می‌بینم همه‌چیز رو. فامیل من همشون خونه‌دارن همه‌چیز رو بسته می‌بینن، خودشون رو زندانی کردن. من دیدم خیلی بازتره طرز فکر من با اونا فرق می‌کنه».

مریم (خانه‌دار) می‌گوید: «من الان بلاتکلیفم، یکسره گوشی دستمه توی اینترنتم وقت بیکاریم اینجوری میگذره نه هنری نه چیزی. دوست دارم کلاس هنری برم و یک هنری یاد بگیرم اگه سرکار نرم هم دوست دارم یک هنری داشته باشم که توی خونه حداقل بتونم انجام بدم».

۴-۶-۴- افزایش/کاهش قدرت تصمیم‌سازی

امروزه با تغییر ارزش‌های هنجاری و ساختاری قدرت تصمیم‌سازی در خانواده صرفاً معطوف به مردان نیست، بلکه نقش زنان نیز در این مهم چشمگیر و قابل توجه است. می‌توان ادعان داشت که بر خورداری از درآمد مادی مستقل در افزایش و یا کسب قدرت تصمیم‌سازی در نهاد خانواده بی‌تاثیر نخواهد بود. به‌گونه‌ای که زنان شاغل به دلیل بر خورداری از آورده اقتصادی به مراتب از قدرت چانه‌زنی افزون‌تری در برابر همسر برخوردار هستند و نقش اساسی‌تری در تصمیم‌های مهم زندگی خانوادگی ایفا می‌نمایند. به‌گونه‌ای که اشتغال مشروعیت و قدرت فزاینده‌تری را برای اینان در اتخاذ تصمیم‌های مهم زندگی به ارمغان می‌آورد و می‌توان ادعا کرد ساختار قدرت در خانواده دموکراتیک‌تر شده است. اما قدرت چانه‌زنی و تصمیم‌گیری در زنان خانه‌دار به جهت عدم بر خورداری از درآمد مستقل و مشارکت در هزینه‌های خانواده به‌صورت قلیل‌تری مشاهده می‌گردد و توان تصمیم‌گیری آنان بیشتر معطوف به امور داخلی و کم‌اهمیت‌تر خانواده است و همچنان نقش مرد پررنگ جلوه می‌نماید.

نسترن (شاغل) گفت: «بیشتر دست خودم هست. وقتی که خونه دار بودم دست شوهرم بود اون تصمیم می‌گرفت ولی از وقتی که استقلال مالی پیدا کردم زبونم خیلی دراز شده به خاطر همین شوهرم دیگه هیچ کارست. مشورت‌م باهاش نمی‌کنم، اونم دیگه عادت کرده چیزی نمی‌گه».

نگار (خانه‌دار) گفت: «تصمیم‌های بزرگتر و تصمیم‌های مالی رو شوهرم می‌گیره ولی با هم مشورت می‌کنیم».

۴-۶-۵- ناامنی شغلی و ناامنی در محیط شغلی

زنان با توجه به فضای شغلی که در آن فعالیت دارند، ممکن است با چالش‌هایی در وجوه گوناگون مواجه شوند. با توجه این‌که غالب زنان مورد مطالعه در مشاغل خصوصی فعالیت داشتند، همواره با خطراتی مانند اخراج از کار به دلایلی همچون تعدیل نیرو مواجه بودند و همین امر سبب

می‌شد تا آنان به دلیل امنیت شغلی و امنیت اقتصادی پایین توان برنامه‌ریزی مالی قوی را نداشته باشند. از سوی دیگر، دریافت پیشنهادات غالباً جنسی نمونه‌ای دیگر از مواجهه‌ی منفی زنان در محیط کاری است که اغلب این‌گونه پیشنهادات از سوی افرادی است که در محیط‌کاری با آنان مرادده دارند و به نوعی استفاده سوء از قدرت نیز در این پدیده نمایان است. رخداد این مسئله می‌تواند محیط کاری را برای زنان به فضایی تنش‌زا و رعب‌آور تبدیل کرده و آنان را با وجود نیاز مبرم به درآمد حاصل از کار، در تصمیم برای ادامه فعالیت شغلی دچار تزلزل نماید.

مژگان (شاغل) می‌گوید: «من پیشنهاد از جانب مردها زیاد داشتم، پیشنهادهای مستقیم می‌شنیدم از مسافرها، همکاران جرئت نمی‌کردن. همه نوع پیشنهاد...، یکی دوتا شو به شوهرم گفتم، چون مشکل مالی داشتیم نمی‌دونست باید چه کار کنیم که بگه اصلاً نرو یا اگر نری از کجا پول دربیاریم. بین این دو تا می‌موند».

الهام (خانه‌دار) می‌گوید: «سرکار اگه محیطش مردانه باشه فکر می‌کنم زن دیگه همچین مهری که به شوهرش قبلاً داشته دیگه نمی‌تونه داشته باشه یا همش شوهرشو با مردهای بیرون مقایسه می‌کنه. البته به نظر من اینطوری هست ها».

۴-۶-۶- عدم وابستگی بیش از حد فرزند به مادر

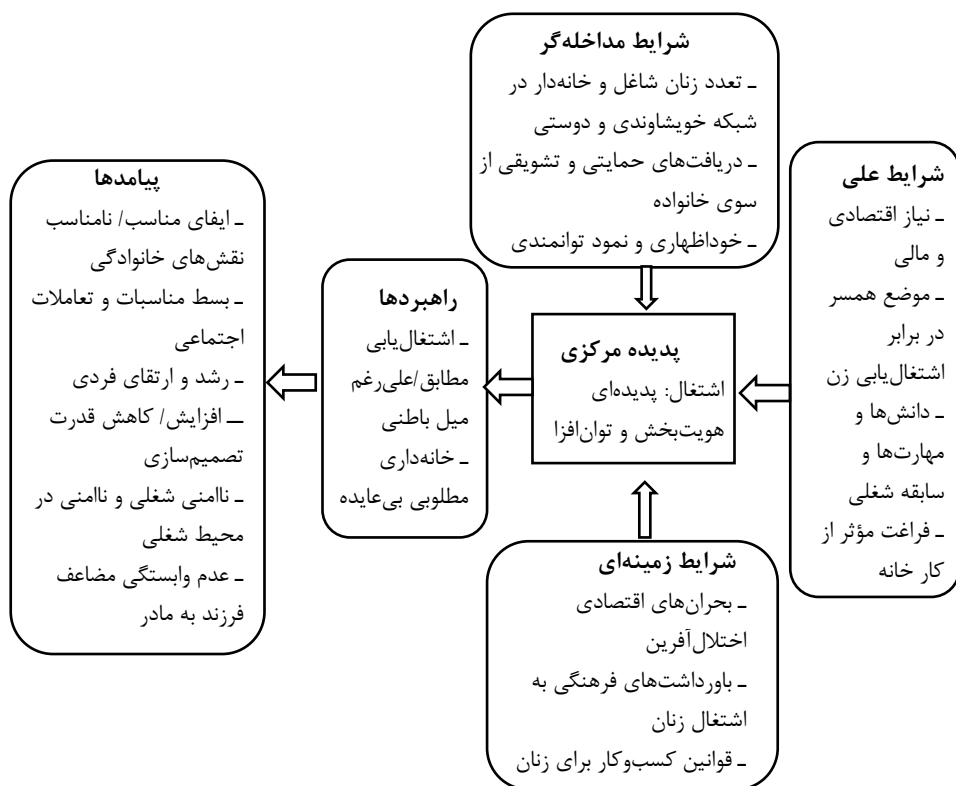
کودکانی که به واسطه‌ی اشتغال مادر، از ابتدا بیشتر در معرض مرادده و معاشرت با افراد و محیط‌های بیگانه بوده‌اند و مادر به تنهایی مسئولیت مراقب از آن‌ها را عهده‌دار نبوده است، از نظر شخصیتی و رفتاری تفاوت‌هایی در آن‌ها بروز و ظهور می‌یابد، که از این حیث می‌توان به توانایی خودمراقبتی و استقلال شخصی اشاره کرد که کودک را به فردی پویا و توانمند در برقراری ارتباط با دیگران تبدیل می‌کند و در انجام امور فردی و شخصی از میزان استقلال بالاتری برخوردار می‌شود. و زنان شاغل ادعان دارند که فرزندشان از درجه نظم بیشتری برخوردار است.

مرجان (شاغل) می‌گوید: «به نظرم بچه‌هایی که مادرشون کارمنده مستقل‌ترن، بانظم‌ترن خودشون از عهده‌ی کارای خودشون بر میان. واقعا تاثیرگذاره زمانی که مجرد بودم بچه‌های هکارا رو می‌دیدم چقد متفاوتن با بچه‌هایی که مادرشون خونهدارن. می‌دیدم چقد مستقل‌ترن. حتی دخترم خیلی کاراشو بهتر انجام میده. مستقل‌تر و سازگارترن احساس می‌کنم سختی‌های بیشتری میکشن آداپته‌تر میشن».

فرشته (خانه‌دار) می‌گوید: «احساس می‌کنم کسانی که شاغلن بچه‌هاشون مستقل‌تر بار میان. چون مادر نیست بچه بهتر روی پای خودش وایمیسته. من سعی کردم بچم رو مستقل بار بیارم ولی بازم همیشه می‌بینم مامانش هست».

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف واکاوی معانی دریافتی زنان متأهل شهر مشهد از اشتغال با روش نظریه زمینه‌ای صورت گرفته است. هدف محققان در این پژوهش آن بوده است تا ادراک و دریافت‌های زنان از پدیده اشتغال، چالش‌ها و پیامدهای آن را مورد بررسی کیفی قرار دهند. یافته‌های تحقیق حاضر با روش نظریه زمینه‌ای را می‌توان در چهار بخش عمده شرایط علی همانند چالش‌های مالی و اقتصادی، موضع‌گیری همسر؛ شرایط زمینه‌ای مانند بحران‌های اقتصادی اختلال آفرین، باورداشتهای فرهنگی به اشتغال زنان؛ شرایط مداخله‌گر همچون تعدد زنان شاغل در میان اطرافیان و در نهایت پیامدها مانند چالش‌های پیرامون محیط شغلی، قدرت تصمیم‌سازی و ... مطرح نمود. مقولات مستخرج در مدلی چندبخشی قرار داده شده است، تا تصویری کامل‌تر برای تبیین پدیده مورد مطالعه حاصل شود.



شکل ۱: مدل نظری استخراج شده

این پژوهش نشان داد در قشر متوسط رو به پایین، اشتغال زنان اگرچه غالباً در مشاغل ساده و نسبتاً کم درآمد است، اما به سرعت به عاملی برای تغییر مناسبات قدرت در خانواده مبدل می‌گردد. به گونه‌ای که نتایج تحقیق مؤید آن است که زنان پس از یافتن شغل به واسطه کسب درآمد از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردار می‌گردند و تا حدودی این امر می‌تواند منجر به مرکزیت‌زدایی از مردان در خانواده شود. سویی منفی این پیشامد، همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهد، تقلیل مسئولیت‌پذیری مردان در قبال وظایفی است که همواره به آنان تفویض شده است. در این موقعیت کار برای زنان تبدیل به وظیفه‌ای الزام‌آور می‌گردد که ترک آن به راحتی امکان‌پذیر نیست، زیرا بخش اعظم هزینه‌های خانواده متوجه زنان می‌گردد. اما در مورد زنان خانه‌دار نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اکثریت آنان در تصمیم‌های کوچک خانواده تأثیرگذار هستند، اما قدرت چندانی به ویژه برای اتخاذ تصمیم‌گیری‌های مالی در خانواده را ندارند که این امر تا حد زیادی متأثر از عدم استقلال مالی آنان باشد. این بخش از یافته‌ها با نتایج مطالعه توسلی و سعیدی (۱۳۹۰)، امینی، حسینیان و امینی (۱۳۹۲)، باقری، ملتفت و شریفیان (۱۳۹۲) و مک‌گین و اوه (۲۰۱۷) تا حدی همخوانی دارد.

جنبه‌ی دیگری که به روشنی متأثر از استقلال مالی و کسب قدرت است، تغییر الگوی مصرف در زنان است. زنان شاغل این امکان را می‌یابند که به تمایلات و خواسته‌های خود بیشتر جامعه‌عمل پوشانده و درصد رفع آن برآیند. همچنین آنان در محیط کار ارزش‌های دیگری فارغ از ارزش‌های خانوادگی را دریافت می‌کنند که در تمایلات و انتظارات آنان تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. در نتیجه، این نوع سبک زندگی در سطح کلان می‌تواند بر اقتصاد تأثیر بگذارد. اما این مسئله در ارتباط با زنان خانه‌دار چندان صادق نیست. با توجه به این که آنان دارای درآمد مستقل نبوده و برای تأمین نیازهای مالی و رفاهی وابستگی شدیدی به همسر خود دارند، غالباً به این نکته اشاره داشته‌اند که همواره می‌بایست نیازهایشان را همسو با درآمد همسر خود تنظیم کنند و این امر گاهی موجب رنجش خاطر آنان نیز می‌گردد. این بخش از نتایج نیز تا حدی همسو با یافته‌های رستگارنسب، مصطفوی و جهان‌نمائی (۱۳۹۱)، بیات و بیات (۱۳۹۰) و ترکمن و فتحی (۱۳۹۵) است.

با این اوصاف، در میان برخی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، کار اولویت اول و بخش اعظم زندگی زنان بود. آنان اذعان داشتند مواهبی که اشتغال برایشان در پی دارد بر جنبه‌های به ظاهر منفی آن تفوق دارد. برخی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند قرارگیری در محیط‌های شغلی و درگیر شدن با کار توانمندی‌های آنان را در ابعاد مختلف بهبود می‌بخشد. این یافته تا حدی با نتایج تحقیق امینی، حسینیان و امینی (۱۳۹۲)، مردانی و موحد (۱۳۹۵) در تناظر است. بنابراین

شغل می‌تواند از سویی مأمونی جهت تسریع در دستیابی به اهداف باشد و از سویی دیگر نیز به ارتقا جایگاه اجتماعی فرد کمک کند. برخی دیگر نیز اذعان داشتند، به‌رغم امتیازاتی که شغل برایشان به ارمغان می‌آورد، تا حدی آنان را از زندگی درون خانواده بازمی‌دارد. به همین ترتیب خانم‌های خانه‌دار نیز در این زمینه اذعان داشتند از این جهت که آنان زمان بیشتری را در مقایسه با زنان شاغل در اختیار داشته به‌تبع فرصت بیشتری برای رسیدگی به امور خانواده را دارند. اما از سوی دیگر نیز معتقد بودند خانه‌داری و فعالیت‌های مترتب بر آن تاثیر زیادی بر یادگیری و توان‌افزایی آنان ندارد.

نکته قابل توجه آن است که زنان به مراتب بیشتر از مردان با نامنی و عدم ثبات شغلی به دلایل گوناگون از جمله بارداری، پیشنهادات غیراخلاقی و ... و همچنین دستمزد کمتر مواجه می‌شوند. این یافته با نظریه بازارکار آبوت و والاس (۱۳۹۳)، ریچوی (۲۰۰۹)، روبینز (۲۰۰۳) و کلی (۱۹۷۹) منطبق است. بدین ترتیب، با این‌که برخی زنان شاغل در محل کار مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند و دریافت پیشنهادات جنسی آنان را دچار آشفتگی و تشویش ذهنی می‌کرد، اما اغلب برای جلوگیری از پیامدهای ناخوشایند بعدی اشاره‌ای به آن نمی‌کردند، ولو آن‌که رد این‌گونه پیشنهادات غالباً به معنای از دست دادن شغل است.

روند رو به افزایش حضور زنان در جامعه به‌واسطه تغییر ارزش‌ها و انتظارات و همچنین علاقه و اشتیاق آنان به ارتقاء شغلی قاعدتاً تاثیر قابل توجهی بر ساختار خانواده خواهد داشت. در میان مشارکت‌کنندگان در این پژوهش هنوز بخش قابل توجهی از زنان شغل را در وهله اول به عنوان عامل حمایتی از خانواده و همسر می‌دانند. به‌گونه‌ای که بیشتر زنان اذعان داشتند به واسطه کسب درآمد مستقل این توانایی را می‌یابند تا نقش حمایتی قدرتمندی را برای فرزندان خود ایفا کنند. نقشی که یک مادر خانه‌دار ممکن است قادر به ایفای آن نباشد. اما همچنان به روشنی می‌توان رنگ و بوی آزادی‌بخشی و فردگرایی شغل در زنان را مشاهده نمود.

در مجموع بر مبنای نتایج حاصل از پژوهش می‌توان اذعان داشت، زنان همواره در آمدو شدی چالش‌انگیز میان وظایف سنتی و مدرن خود گرفتار بوده‌اند. از سوی دیگر با وجود مواجهه زنان با نمودهای فرهنگی و اجتماعی مدرن، اما همچنان سنت‌های قدرتمند اجتماعی و فرهنگی نفوذ و تأثیر خود را بر زندگی اینان دارند. با این حال زنان مورد مطالعه اشتغال را کنشی ثمربخش دانسته‌اند که در تغییر و ارتقا جایگاه اجتماعی آنان نقش ویژه‌ای دارد و بخشی از هویت شخصیشان را رقم می‌زند.

این پژوهش توانست تاحدی روشن کند که اشتغال برای زنان طبقه متوسط رو به پایین چه معانی دارد و چگونه زنان از طریق اشتغال جایگاهی جدید برای خود می‌آفرینند. همچنین

پژوهشگران دریافتند نوع برخورد زنان یک قشر اجتماعی با پدیده‌ی اشتغال بسیار متفاوت است. آنان بسته به زمینه اجتماعی که در آن زیست می‌کنند و محدودیت‌ها و امکاناتی که پیش روی خود دارند اشتغال را تعریف کرده و در مورد شاغل بودن یا نبودن خود تصمیم می‌گیرند. معانی اشتغال در دیگر اقشار اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد. یکی از مواردی که در ادامه این پژوهش می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد، واکاوی معانی اشتغال در طبقات اجتماعی بالا و نیز در میان اقشار فرودست است. در طبقات بالا احتمالاً ارتباط اشتغال با نیاز مالی چندان قوی نیست. به‌همین خاطر بعد استقلال و هویت‌یابی اجتماعی پررنگ‌تر می‌شود. همچنین در برخی اقشار اجتماعی کار نکردن برای زنان می‌تواند یک مزیت به حساب بیاید. در اقشار فرودست‌تر اگرچه نیازهای مالی پررنگ‌تر است اما هنوز هم هویت‌یابی اجتماعی و تغییر ساختار خانواده را می‌توان مشاهده نمود. به هر حال این موضوعات نیازمند بررسی‌های بیشتر هستند.

منابع

- استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- اسحاقی، محمد؛ محبی، سیده‌فاطمه؛ پاپی‌نژاد، شهربانو و جهاندار، زینب (۱۳۹۳). چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲(۱)، ۱۳۴-۱۱۱.
- اسدزاده، احمد؛ میرانی، نینا؛ قاضی‌خانی، فروغ؛ اسمعیل‌درجانی، نجمه و هنردوست، عطیه (۱۳۹۶). بررسی نقش تحصیلات و اشتغال زنان بر رشد اقتصادی ایران. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۵(۳)، ۳۸۱-۳۵۹.
- اعزازی، شهلا (۱۳۹۰). *دگرگونی در نقش زنان مجموعه مقالات*. تهران: علم.
- امینی، محمد؛ حسینیان، سیمین و امینی، یوسف (۱۳۹۲). بررسی ورود زنان به عرصه اشتغال و تاثیر آن بر میزان قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده. *زن و جامعه*، ۱(۱)، ۲۸-۱.
- آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- باقری، معصومه و ملتفت، حسین؛ شریفیان، هدایت (۱۳۸۸). بررسی تاثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده. *خانواده‌پژوهی*، ۵(۱۸)، ۲۶۲-۲۴۷.

- بیات، معصومه و بیات، محبوبه (۱۳۹۰). بررسی کیفیت زندگی زنان در شهر مشهد. *اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده*. ۳(۲)، ۵۷۵-۵۸۷.
- ترکمن، سولماز و فتحی، سروش (۱۳۹۵). تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی زنان شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری). *زن و جامعه*، ۷(۴)، ۱۳-۲۶.
- توسلی، افسانه؛ و سعیدی، وحیده (۱۳۹۰). تاثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر ایوانکی. *زن در توسعه و سیاست*. ۹(۳)، ۱۴۹-۱۳۳.
- حیدری، آرمان و دهقانی، حمیده (۱۳۹۵). واکاوی کیفی پیامدهای اشتغال زنان متأهل و بسترهای تعدیل‌کننده آن (مورد مطالعه معلمان آموزش‌وپرورش شهر دلوار). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۳(۸)، ۱۰۳-۷۳.
- رستگارینسب، فرهاد؛ مصطفوی، نرگس و جهان‌نمایی، امیر (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه کیفیت زندگی زنان شاغل و غیرشاغل شهرستان مشهد. *فصلنامه جمعیت*، ۱۹(۷۹)، ۶۸-۵۴.
- روستایی شلمانی، خیزران و میلاعلمی، زهرا و غلامی، زینب (۱۳۹۳). توسعه مالی و اشتغال زنان در ایران. *مهارت‌آموزی*، ۳(۱۰)، ۷۶-۵۳.
- ریترز، جورج (۱۳۹۰). *میانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*. ترجمه: خلیل میرزایی و علی بقایی سراپی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا (۱۳۹۵). فهم خانه‌داری در بستر نقش‌های جنسیتی: مطالعه‌ای کیفی در شهر تهران. *فصلنامه علوم/اجتماعی*، ۲۵(۷۳)، ۳۲-۱.
- عرب‌مازار، عباس؛ علیپور، محمدصادق و زارع‌نیاکوکي، یاسر (۱۳۹۴). تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر اشتغال زنان در ایران، *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی دانشگاه شهیدبهشتی*، ۱۷(۱۸)، ۹۱-۷۵.
- فطرس، محمدحسن؛ نجمی، مریم و معمارزاده، عباس (مطالعه موردی: ایران) (۱۳۹۶). تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۵(۳)، ۳۱۱-۳۲۵.
- فلیک، اووه (۱۳۹۴). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کرسول، جان (۱۳۹۴). *پوییش کیفی و طرح پژوهش*. ترجمه: حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار: اشراقی.

- کریمی موغاری، زهرا و جهان تیغ، الهام (۱۳۹۳). عوامل موثر بر اشتغال غیررسمی زنان جوان در ایران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲(۳)، ۱۴۰-۱۱۵.
- کریمی موغاری، زهرا؛ نظیفی نایینی، مینو و عباسپور، سحر (۱۳۹۲). عوامل اقتصادی موثر بر اشتغال زنان در ایران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان* ۱۱(۳)، ۸۰-۵۳.
- گوگردچیان، احمد؛ طیبی، سیدکمیل و قضاوی، عفت (۱۳۹۳). اثر اشتغال زنان بر شکاف درآمدی جنسیتی در ایران (۱۳۹۰-۱۳۷۰). *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۷(۲)، ۱۶۹-۱۴۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- محمدی، سیدیوک (۱۳۹۳). الگوی سنتی ساختار قدرت در برخی خانواده‌های ایرانی. *پژوهشنامه زنان*، ۵(۲)، ۱۳۷-۱۱۱.
- محمودیان، حسین و رشوند، مرجان (۱۳۹۱). اشتغال زنان فارغ‌التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۰(۱)، ۱۰۴-۸۳.
- مردانی، مرضیه و موحد، مجید (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت نهاد خانواده (نمونه موردی: زنان متأهل شهر شیراز). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۳(۸)، ۷۱-۴۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). برگرفته از <https://amar.org.ir/>
- موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه و مردانی، مرضیه (۱۳۹۱). مطالعه عوامل زمینه‌ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده (نمونه موردی زنان متأهل شهر شیراز). *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ۳(۲)، ۱۷۸-۱۵۹.
- وبلن، تورستین (۱۳۸۳). *نظریه طبقه مرفه*. ترجمه: فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- Alaedini, P., & Razavi, M. R. (2005). Women's participation and employment in Iran: a critical examination. *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, 14(1), 57-73.
- Balgiu, B. A. (2013). Perception of women as managers. The difference of attitudes between employees and non-employees. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 78(0), 330-334.
- Bryant, A., & Charmaz, K. (2007). Grounded theory research: Methods and practices. *The Sage handbook of grounded theory*, 1, 29.

Archive of SID

- Ghasemi, A. (2015). Muslim Iranian women working in broadcast media (IRIB): Between motherhood and professionalism. In *Women's Studies International Forum* (Vol. 53, pp. 167-173). Pergamon.
- Kelly, J. (1979). The doubled vision of feminist theory: A postscript to the "Women and Power" conference. *Feminist studies*, 5(1), 216-227.
- McGinn, K. L., & Oh, E. (2017). Gender, social class, and women's employment. *Current Opinion in Psychology*, 18, 84-88.
- Ridgeway, C. L. (1997). Interaction and the conservation of gender inequality: Considering employment. *American Sociological Review*, 218-235.
- Robeyns, I. (2003). Sen's capability approach and gender inequality: selecting relevant capabilities. *Feminist economics*, 9(2-3), 61-92.
- Yodanis, C. L. (2004). Gender inequality, violence against women, and fear: a cross-national test of the feminist theory of violence *against women*. *Journal of Interpersonal Violence*, 19(6), 655–675.